

حادثه‌ها

افزایش جعل و کلاهبرداری در پایتخت

رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ از افزایش جرائم مرتبط با جعل و کلاهبرداری، کاهش سهم پایتخت از کل سرقت‌های کشور و در عین حال افزایش سرقت در تهران بزرگ و نیز کاهش ۲۲ درصدی جرائم جنایی خبر داد.
سردار علیرضا لطفی در گفت‌وگو با ایسنا اظهار کرد: در زمینه سرقت، وضعیت ما درمقایسه‌با کل کشور در حال بهبود است؛ به‌طوری‌که تا حدود دوسال‌ونیم پیش ۲۹ درصد از کل سرقت‌های کشور در تهران بزرگ رخ می‌داد، اما این آمار امسال به ۲۱ درصد از کل سرقت‌ها کاهش یافته است. او درباره اینکه آیا عدد سرقت‌ها نیز در تهران کاهش یافته یا خیر، گفت: به لحاظ عددی در سال گذشته شاهد کاهش نسبی سرقت‌ها در تهران بودیم، اما امسال سرقت‌های خرد ما کمتر از سه درصد در نیمه نخست امسال افزایش داشته است که عمده آن نیز برمی‌گردد به ارتکاب سرقت ازسوی معتادان و به‌خصوص معتادان متجاهر.

رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ با بیان اینکه در نیمه نخست امسال شاهد افزایش سه‌درصدی در وقوع سرقت و در عین حال افزایش هشت‌درصدی در کشف سرقت‌ها بوده‌ایم، گفت: امیدواریم با اجرای طرح‌های مختلف و اقدامات پیش‌دستانه بتوانیم آمار وقوع سرقت در تهران را کاهش داده و در عین حال کشفیات را نیز افزایش دهیم.

لطفی گفت: در نیمه نخست امسال، مجموع جرائم جنایی در پایتخت ۲۲ درصد کاهش داشته است. این جرائم شامل آدم‌ربایی، قتل، تجاوز به عنف، حریق عمدی، سرقت مسلحانه و… است. خوشبختانه در حوزه کشف جرائم جنایی نیز وضعیت بسیار خوبی داریم؛ به‌طوری‌که می‌توان گفت کمتر جرم جنایی کشف‌نشده‌ای در پایتخت وجود دارد.

لطفی درباره معاونت مبارزه با جعل و کلاهبرداری نیز گفت: متأسفانه عدد وقوع جرائم در حوزه جعل و کلاهبرداری در حال افزایش است که این عمدتا مربوط به جعل چک، مدارک، اسناد و نظایر آن است.

به گفته او، متأسفانه در بحث لیزینگ خودرو نیز همچنان اقدامات مجرمانه رخ می‌دهد و افراد سودجو با تأسیس شرکت‌های کاذبی و با سوءاستفاده از نوسان بازار خودرو، با طرح وعده فروش ارزان‌قیمت یا خارج از نوبت خودرو، اقدام به دریافت مبالغی از شهروندان کرده و سپس متواری می‌شوند که ما در این زمینه چندین باند را منهدم کرده‌ایم.

رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ با بیان اینکه متأسفانه برخی از شرکت‌های هرمی نیز با وجود هشدارهای متعدد پلیس همچنان فعال و در حال عضوگیری هستند، گفت: این موضوع نیز با اشراف اطلاعاتی پلیس تحت رصد بوده و چندین شرکت هرمی که عمده قربانیان آن را جوانان شامل می‌شوند، شناسایی و منهدم شده است. لطفی با بیان اینکه جرائمی نظیر کارت‌به‌کارت نیز جزء موارد پرتکرار بوده است، گفت: سوءاستفاده‌کنندگان با استفاده از بی‌اطلاعی شهروندان که عمدتا افراد پایه‌سن‌گذاشته هستند، آنان را با وعده‌های مختلف پای دستگاه عابرانک کشانده و با راهنمایی غلط تلفنی، حساب بانکی‌شان را خالی می‌کنند.

شرق: مردی که متهم است سه عضو یک خانواده را به قتل رسانده است، به‌زودی در دادگاه کیفری استان قزوین محاکمه می‌شود. این مرد در سال ۹۲ مرتکب جنایت شد اما شش سال طول کشید تا شناسایی و دستگیر شود.

به گزارش خبرنگار ما، مأموران پلیس استان البرز روز ۲۰ خرداد سال ۹۲ جسد پسر نوجوان را درحالی‌که دست‌وپایش بسته شده بود، در منطقه‌ای خلوت یافتند و او را که هیچ مدرک هویتی‌ای به‌همراه نداشت، به پزشکی قانونی منتقل کردند. بررسی‌های ابتدایی نشان داد مقتول که برادر خفگی جان باخته، پسری ۱۷ساله ساکن تهران به نام یاشار است که اقوام او ناپیدشدنش را به پلیس گزارش داده بودند. در این گزارش ذکر شده بود پسر نوجوان به‌همراه والدینش مفقود شده است، اما در آن مرحله خبری از زوج میان‌سال نبود تا اینکه مدتی بعد مأموران جسد پدر ۶۰ساله خانواده را در حوالی روستای زیاران آبیگ قزوین پیدا کردند. این مرد با شلیک سه گلوله به قتل رسیده و سپس جنازه‌اش به آتش کشیده شده بود.

کارآگاهان که حدس می‌زدند مادر خانواده نیز قربانی جنایت شده باشد، به تحقیقات خود درباره این پرونده ادامه دادند تا اینکه بالاخره جسد زن ۴۳ساله نیز در خودروی ۹۰ل این خانواده پیدا و معلوم شد قاتل بعد از کشتن این زن جسد او را با الکل به آتش کشیده است.

آن زمان تحقیقات وسیعی برای شناسایی و دستگیری عامل یا عاملان این جنایت انجام شد اما سرنخی به دست نیامد. حتی تماس‌های تلفنی اعضای این خانواده بررسی شد اما مورد مشکوکی که توجه پلیس را جلب کند، وجود نداشت، به‌این‌ترتیب پرونده بدون حصول نتیجه‌ای مسکوت ماند تا اینکه بالاخره بعد از گذشت شش سال وقتی دور تازه‌ای از تحقیقات کلید خورد، کارآگاهان به مستاجر این خانواده ظنین شدند و این مرد و همسرش را اردیبهشت سال گذشته بازداشت کردند.

هر دو مظنون در بازجویی‌ها منکر قتل شدند اما در نهایت مرد جوان به نام مجتبی، وقتی به او گفته شد برای بی‌گناهی‌اش قسم بخورد، اتهام قتل را پذیرفت و جزئیات این جنایت هولناک را شرح داد. این مرد گفت: روز ۱۹ خرداد سال ۹۲ یاشار به مقابل خانه آمدم. او یک سررسید به‌عنوان کادو برایم آورده بود. او درباره تمدید قرارداد اجاره خانه هم صحبت کرد، اما به توافق نرسیدیم و اصرار کرد باید خانه را تخلیه کنم. باهم درگیر شدیم و درحالی‌که به‌شدت عصبانی شده بود، گلویش را در حالی که فشار دادم، وقتی به خودم آمدم او بی‌حال روی زمین افتاده بود. نبضش را گرفتم و متوجه شدم فوت کرده است. مانده بودم چه‌کار کنم. جسد را به داخل پارکینگ خانه بردم و با طناب دست‌وپایش را بستم و داخل صندوق عقب خودروی خود قرار دادم و رویش پتویی انداختم. سپس با تلفن‌همراه یاشار با پدرش تماس گرفتم و با او در میدان توحید قرار گذاشتم. با موتورسیکلت سر قرار رفتم. داوود با یک خودروی ال ۹۰ آمده بود. موتور را کنار خیابان گذاشتم و سوار ماشین او شدم. در حال صحبت

حوادث

عامل قتل ۳ عضو یک خانواده پای میز محاکمه



بودیم که به سمت اتوبان تهران قزوین رفتیم. وقتی به حوالی طالقان رسیدیم، موضوع قتل یاشار را به او گفتم. عصبانی شد و از ماشین پایین آمد. سنگی برداشت و ضربه‌ای به کمرم زد. من‌هم ابتدا سنگی به او زدم و بعد با اسلحه کلت سه تیر به سمتش شلیک کردم که کنار سنگ بزرگی افتاد و جان باخت. مجتبی در ادامه اعترافاتش گفت: به خاطر اینکه حالم بد بود، سراخ صندوق عقب ماشین مقتول رفتم تا آبی به صورتم بزنم که با یک شیشه الکل در صندوق عقب روبه‌رو شدم. الکل را روی جسد ریختم و با فندک آتش زدم. بعد هم با خودروی ال ۹۰ به سمت کرج حرکت کردم. برای فاش نشدن این جنایت باید فریبا، مادر خانواده را هم می‌گفتم، اگر او زنده می‌ماند، چون می‌دانست پسرش با من قرار داشته و به خانه‌ام آمده بود، همه‌چیز را به پلیس می‌گفت و من شناسایی و دستگیر می‌شدم. به همین دلیل با تلفن داوود بسا او تماس گرفتم و ادعا کردم همسرش در جاده قزوین تصادف کرده است. در ایستگاه وردآورد مترو یا او قرار گذاشتم. یک ساعت بعد با مترو به آتاج آمدم و به سمت

قصاص؛ فرجام قتل به‌خاطر عشق قدیمی

گفت: من و محمدرضا هشت سال پیش در یک گروه اینترنتی با هم آشنا شدیم. من به خانه آنها رفت‌وآمد داشتم تا اینکه متوجه شدم او و همسرش از هم جدا شده‌اند. من که به الهه علاقه‌مند بودم، چند بار با او تماس گرفتم و به بدینش رفتم. اما پس از مدتی فهمیدم الهه بار دیگر به زندگی سابقش برگشته و آنها صاحب دومین فرزند شده‌اند. آن موقع بود که رابطه‌ام را با الهه تمام کردم، ولی از الهه شنیده بودم محمدرضا مرد بداخلاقی است و با او رفتار درستی ندارد. به‌همین‌خاطر می‌خواستم با محمدرضا صحبت کنم تا اگر از زندگی‌اش راضی نیست، الهه را طلاق دهد و من با او ازدواج کنم. آن روز طبق نقشه قبلی با تیغ، لاستیک خودروی محمدرضا را پنجر کردم. او مقابل یک بیمارستان در حال پنجرگیری بود که بالای سرش رفتم و دو تیر به سرش شلیک کردم. سپس اسلحه را به داخل کانال آب انداختم و با خودروی دوستم فرار کردم. در نهایت پیمان به اتهام قتل و دوستش افشین به اتهام معاونت در جنایت محاکمه شدند. در ابتدای این جلسه اولیای‌دم برای متهمان حکم قصاص خواستند؛ سپس پیمان پشت تریبون دفاع ایستاد و تمام اعترافات قبلی‌اش را پس گرفت و ادعای بی‌گناهی‌اش را مطرح کرد.

او گفت: من در بازداشتگاه تحت فشار روانی شدید بودم. به‌همین‌دلیل به قتل اعتراف کردم. من هیچ نقشی در این ماجرا نداشتم و به دروغ گفتم محمدرضا را کشته‌ام. وقتی محمدرضا در خیابان مورد حمله مرد ناشناس قرار گرفت، من در میدان صادقیه در حال خرید بودم، ولی مدرکی برای ثابت‌کردن آن ندارم.

افشین نیز گفت: وقتی پیمان با اسلحه سوار ماشینم شد، به ماجرای

قتل پی بردم؛ اما پیمان از من خواست تا سکوت کنم. به‌همین‌دلیل به

پلیس اطلاع ندادم. من در این ماجرا معاونتی نداشتم و تنها گناهم

این بود که از ترس سکوت کردم. سپس قضات دادگاه از همسر قربانی

قزوین حرکت کردیم. در میان راه موضوع قتل همسر و فرزندش را به او گفتم که با کیفش شروع به کتک‌زدن من کرد. داخل ماشین درگیر شدیم و به زیرگذر کنار اتوبان رفتیم و با شلیک گلوله او را به قتل رساندم. بعد از این جنایت، جسد زن جوان را در داخل خودرو به آتش کشیدم.

متهم به قتل در ادامه اعترافاتش گفت: بعد از آتش‌زدن جسد فریبا به آن سوی اتوبان رفتم، سوار یک تاکسی شدم و به سمت تهران بازگشتم. در میان‌راه هم کوشی تلفن یاشار و فریبا را به بیرون پرت کردم. وقتی به تهران رسیدیم، کوشی داوود را خاموش و کوشی خودم را روشن کردم. این‌طور بود که هیچ سرنخی از خودم به جا نگذاشتم ولی خیلی عصبی بودم. به‌ه داروخانه رفتم و قرص آرام‌بخش خریدم. بعد از خوردن قرص‌ها چند ساعت در خانه پدرم استراحت کردم. بعد به محل کارم در یک میوه‌فروشی رفتم و گفتم می‌خواهم به میدان میوه‌وتره‌بار بروم و میوه برای مغازه بخرم. به این بهانه از میدان فلسطین به اتوبان همت رفتم و در انتهای اتوبان جسد را از صندوق عقب بیرون آوردم و در حاشیه بزرگراه رها کردم. فردای آن روز همراه همسرم به محل رهاکردن جسد رفتم که دیدم مأموران جسد را پیدا کرده‌اند و در آن محل مشغول تحقیق هستند، به همین دلیل سریع برگشتم. من این قتل‌ها را به‌تنهایی مرتکب شدم و همسرم هیچ نقشی در این ماجرا نداشتم.

متهم به قتل در ادامه صحنه جنایت‌ها را بازسازی کرد. سپس برای تعیین سلامت روان به پزشکی قانونی منتقل شد. متخصصان بعد از انجام بررسی‌های لازم اعلام کردند این مرد در سلامت به‌سر می‌برد. از سویی اولیای‌دم مقتولان علیه مجتبی شکایت کردند و خواستار مجازات او شدند. درنهایت بعد از تکمیل تحقیقات مقدماتی قرار مجرمیت و کیفرخواست علیه متهم صادر شد و پرونده در اختیار قضات دادگاه کیفری استان قزوین قرار گرفت و متهم به‌زودی پای میز محاکمه می‌رود.

خواستند تا درباره رابطه‌اش با پیمان صحبت کند. این زن گفت: پیمان به خانه ما رفت‌وآمد داشت. بعد از مدتی متوجه علاقه او به خودم شدم. وقتی از همسرم جدا شدم، او به من پیشنهاد دوستی داد. پیمان گاهی اوقات دنبال من می‌آمد و با هم بیرون می‌رفتیم؛ اما بعد از اینکه زندگی‌ام را دوباره با محمدرضا شروع کردم، گفتم بهتر است دیگر با من تماس نداشته باشد. او هم ارتباطش را با من قطع کرد. در پایان جلسه هیئت قضائی وارد شور شد و پیمان را به قصاص محکوم کردند. او به رای صادره اعتراض کرد و مدعی شد قتل کار او نبوده است. دیوان عالی کشور پرونده را بررسی کرد و حکم صادره را نقض کرد. این‌بار پرونده به شعبه ۵ دادگاه کیفری استان تهران رفت. پیمان یک‌بار دیگر مدعی شد قتل کار او نبوده و حضورش در محدوده جرم در زمان قتل کاملاً اتفاقی بوده است. باین‌حال همدست او گفت که پیمان مرتکب قتل شده است. او گفت: پیمان به دنبال من آمد که با هم بیرون برویم. او با پرایدش دنبالم آمد تا با هم به گردش برویم؛ اما مقابل بیمارستان عرفان از ماشین پیاده شد. او کلاه گذاشت و یک اسلحه در دست گرفت. دقایقی بعد صدای شلیک گلوله را شنیدم. پیمان بلافاصله سوار ماشین شد و از من خواست تا به‌سرعت دور شوم. من نمی‌دانم چه اتفاقی افتاد، اما متوجه شدم او شلیک کرده است. به‌این‌ترتیب قضات وارد شور شدند و متهم ردیف اول را به قصاص محکوم کردند. با توجه به اینکه دختر مقتول نسبت به متهمان اعلام گذشت کرده بود، اما پدر و مادر مقتول درخواست قصاص کرده بودند، دادگاه اعلام کرد درصورتی‌که اولیای‌دم بخواهند حکم قصاص را اجرا کنند، باید سهم فرزند مقتول را به لحاظ دید بپردازند. رأی صادره یک‌بار دیگر مورد اعتراض پیمان قرار گرفت، اما این‌بار دیوان عالی کشور آن را تأیید کرد.

رخداد

۳ کشته نتیجه اختلاف ملکی

● فرمانده انتظامی شهرستان اهواز گفت: در پی درگیری مسلحانه طایفه‌ای در یکی از محله‌های شهر اهواز به‌دلیل اختلاف ملکی، سه نفر کشته شدند. سرهنگ محسن دالوند در تشریح این خبر اظهار کرد: این درگیری درمحله سلحخانه ساعت ۱۸ جمعه به‌دلیل اختلاف ملکی رخ داد که مأموران انتظامی پس از دریافت خبر، بلافاصله به محل اعزام شدند. این مقام انتظامی با بیان اینکه در این درگیری طایفه‌ای سه نفر از طرفین نزاع کشته شده‌اند، گفت: امنیت در منطقه حاکم است و تلاش برای شناسایی و دستگیری عاملان نزاع با جدیت در دست پیگیری است.

مرگ زوج جوان بر اثر گاز گرفتگی

● زن و شوهری جوان در محله حکیمیه تهران بر اثر گازگرفتگی جان باختند.
ساعت ۸:۴۵ دیروز در پی اطلاع‌رسانی شهروندان به سامانه ۱۲۵ سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران، یک مورد حادثه احتمال گازگرفتگی در محله حکیمیه اعلام و در پی آن مأموران آتش‌نشانی به محل حادثه اعزام شد.

آتش‌نشنان در مدت زمان سه دقیقه به محل حادثه رسیدند. محل یک منزل قدیمی ویلایی بود که به‌عنوان محل تولید لوازم خودرو از آن استفاده می‌شد. آتش‌نشنان زمانی که به محل رسیدند، در بخشی از این منزل با وضعیت کاملاً بی‌حال یک آقا و خانم جوان که به گفته افراد حاضر در محل زن و شوهر بودند، مواجه شدند.

با تأیید عوامل اورژانس مشخص شد این دو نفر جان خود را از دست داده بودند که البته علت اصلی فوت از سوی عوامل پزشکی قانونی مشخص خواهد شد، اما با حضور کارشناس آتش‌نشانی مشخص شد وجود یک دستگاه آکیرمکن بدون دودکش و روشن‌بودن آن موجب انتشار گاز مونوکسیدکربن و به احتمال زیاد فوت این دو نفر شده است.

کشف جسد در خانه آتش‌گرفته

● سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران از وقوع حریق در یک ساختمان ویلایی و کشف جسد زن ۸۰ساله در این محل خبر داد.

سیدجلال ملکی دراین‌باره اظهار کرد: ساعت ۴:۰۴ بامداد دیروز یک مورد حادثه آتش‌سوزی در یک ساختمان قدیمی در محدوده استخر در شمال شرق تهران به سامانه ۱۲۵ سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران اطلاع داده شد که بلافاصله دو ایستگاه به همراه خودروی حامل تجهیزات تنفسی به محل اعزام شدند. او ادامه داد: آتش‌نشنان در مدت زمان چهار دقیقه به محل رسیده و مشاهده کردند در یک منزل قدیمی ویلایی، حجم بسیار زیادی ضایعات در تمام بخش‌های آن نگهداری می‌شد. تمام بخش‌های این منزل شعله‌ور بود و در آتش می‌سوخت. ملکی گفت: آتش‌نشنان از سه طرف به داخل ساختمان نفوذ کرده و عملیات اطفا را آغاز کردند. در حین عملیات خاموش‌کردن آتش، با وضعیت کاملاً بی‌حال یک خانم حدود ۸۰ساله که زیر حجم زیادی از ضایعات قرار گرفته بود، مواجه شدند. او ادامه داد: آتش‌نشنان وی را از محل خارج کردند و مشخص شد که جان خود را از دست داده است که علت اصلی فوت او از سوی عوامل پزشکی قانونی اعلام خواهد شد.

جدول ۳۷۸۷ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- نوعی کباب ایرانی- مزرعه کوچک- شهر زادگاه پتهوون ۲- تکیه‌کلام درویش- بدزبان و دشنام‌گو- پوشیده و پنهان ۳- شایعت- غذایی قدیمی شبیه آبکوبش- مسیچی ۴- از نزولات الهی- ایالتی در آمریکا ۵- بهبودیافتن از بیماری- گشت‌وگذار- ملیت ما ۶- ناپایدار- واحدی در وزن- قوت لایموت ۷- پروتئین گیاهی- الهه اندیشه و هنر در اساطیر یونان- شلوارک ورزش باستانی ۸- ترمز چاریا- فیزیکدان آلمانی و واضع نظریه کوانتوم- رنگ موی فوری ۹- کبوتر دشتی- ابزار نجاری- استفراغ ۱۰- میانه بدن- ماندارک- اسب تندرو ۱۱- عامل ایجاد بیماری- ماه نو- چند رای ۱۲- تیر چوبی سقف- تهیه‌کردن ۱۳- شتر تندرو- همسایه لیبی و الجزایر- بی‌موقع ۱۴- برخورد- آسان- جوینده راه ۱۵- گیاه تالاب- خشکی مزاج- تخمین.

عمودی:

۱- سرازیری- نقشی زینتی در تذهیب- همسایه تفرش و اراک ۲- روز وصل دوستداران... باد- دانشی که اثر نور را بر واکنش‌های شیمیایی بررسی می‌کند- مریض به عموم ملت ۳- محلی که در آن وسایل تفریح و سرگرمی کودکان وجود دارد- خانواده‌ای از میوه‌ها ۴- از حواریون مسیح- پیشوای دین بودایی- کلی درشت و معطر ۵- واحد بین‌المللی فرانکس- داروی تزریقی- دشمن آتش ۶- حرف ربط- آسمان‌ها- بعد از مهر ۷- حلال‌رنگ- سرایت‌کردن- سرکرده

۸- قصر- سنگر- پرش ۹- گرفتگی زبان- پدر-

واحد پول گرجستان ۱۰- واحد نظامی- مقبره‌های عظیم فرانعه مصر باستان- جاشنی غذایی

۱۱- زمینه- زندگی‌کردن- اکنون ۱۲- ده هزار

مترمربع- سخن کوتاه و پرمعنا- ثروتمند

۱۳- مترسک- رود مهم چین ۱۴- مآج- دارای پستی و بلندی- باداش ۱۵- سمبلیک- سوره

بیست‌وششم قرآن- هواکش بالای اجاق گاز.

۵	۸	۴	۲	۳	۱	۶	۹	۷
۷	۲	۶	۸	۴	۹	۱	۳	۵
۸	۶	۵	۳	۱	۴	۹	۷	۲
۱	۷	۲	۹	۸	۳	۶	۵	۴
۴	۳	۱	۶	۲	۷	۸	۵	۱
۹	۱	۷	۴	۸	۳	۵	۲	۶
۲	۵	۳	۱	۷	۶	۴	۸	۱
۶	۴	۸	۵	۹	۲	۷	۱	۳

۷	۲	۶	۵	۳	۱	۴	۹	۱
۱	۹	۶	۲	۳	۵	۸	۷	۴
۵	۸	۳	۱	۹	۴	۶	۲	۷
۲	۳	۹	۱	۶	۵	۷	۴	۸
۴	۳	۱	۶	۲	۷	۸	۵	۱
۹	۱	۷	۴	۸	۳	۵	۲	۶
۲	۵	۳	۱	۷	۶	۴	۸	۱
۶	۴	۸	۵	۹	۲	۷	۱	۳

جدول ۳۷۸۶

۱	۵	۸	۴	۲	۳	۱	۶	۹	۷
۱	۵	۸	۴	۲	۳	۱	۶	۹	۷
۲	۵	۸	۴	۲	۳	۱	۶	۹	۷
۳	۵	۸	۴	۲	۳	۱	۶	۹	۷
۴	۵	۸	۴	۲	۳	۱	۶	۹	۷
۵	۵	۸	۴	۲	۳	۱	۶	۹	۷
۶	۵	۸	۴	۲	۳	۱	۶	۹	۷
۷	۵	۸	۴	۲	۳	۱	۶	۹	۷
۸	۵	۸	۴	۲	۳	۱	۶	۹	۷
۹	۵	۸	۴	۲	۳	۱	۶	۹	۷
۱۰	۵	۸	۴	۲	۳	۱	۶	۹	۷
۱۱	۵	۸	۴	۲	۳	۱	۶	۹	۷
۱۲	۵	۸	۴	۲	۳	۱	۶	۹	۷
۱۳	۵	۸	۴	۲	۳	۱	۶	۹	۷
۱۴	۵	۸	۴	۲	۳	۱	۶	۹	۷
۱۵	۵	۸	۴	۲	۳	۱	۶	۹	۷

سودوکو سخت ۲۷۸۲

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ساده ۲۷۸۳

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.